

مدیریت نظامی

شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۸

ص ص ۱۳۱-۱۴۴

بررسی تأثیر عوامل روانی و فرهنگی در جنگ نامتقارن

Sonboli-Mohamad Rasoul

محمد رسول سنبلی^۱

چکیده

در سال‌های اخیر جنگ نامتقارن بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته و بسیاری از مباحث جاری در حوزه نظامی، از این مقوله تأثیر گرفته است. اغلب از اصطلاح نامتقارن برای توضیح مجموعه عوامل پیدای و پنهان در نبردهای آتی بین دو کشور غیرهمتراز استفاده می‌شود.

این کاربرد بیش از پیش بر ابهام معنایی آن می‌افزاید. در عین حال، این مسأله از واقعیت دیگری نیز خبر می‌دهد، که بخش نظامی از یکسو تحت تأثیر تحولات بیرونی و از سوی دیگر به دلیل دگرگونی‌های درونی، وضعیت متفاوتی پیدا کرده است. بر این مجموعه باید گسترش عوامل روانی و فرهنگی را نیز افزود که مفهوم نامتقارنی را پیچیده‌تر می‌کند.

این تحولات، به صورت روز افزون باعث گسترش فرهنگ گشته و از درون همین گسترش است که مسائل تازه‌ای پیش روی جامعه و مسئولان حوزه فرهنگی - نظامی قرار می‌گیرد. بنابراین در این گونه زمینه‌های در حال دگرگونی، سیاستگذاری فرهنگی، مفهومی ثابت نخواهد داشت. رویکردها و برداشت‌های تازه‌ای در مورد سیاستگذاری فرهنگی در جنگ نامتقارنی نیاز است تا آن را با شرایط در حال دگرگونی متناسب کند. در این مقاله به اهداف و دامنه سیاستگذاری و هم بر فرآیند آن اشاره می‌شود، تا ضمن حفظ گوهر بنیادین اهداف خود، بنا به مقتضیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعبیری متناسب از اهداف ارائه کند.

واژگان کلیدی

جنگ نامتقارن، جنگ نامتناسب، دفاع نامتقارن، دفاع فرهنگی، پدافند عملیات روانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

An Investigation of Psycho-Cultural Factors in Asymmetric Warfare

Sonboli- Mohammad Rasoul¹

Abstract

Asymmetric warfare has been the core of attention in the recent years and many current issues in military field have been affected by it. The term asymmetric is primarily used to explain known and unknown factors affecting the future wars between states. Such an application adds to its conceptual ambiguity. Nonetheless, it is an indication of another fact; military sector has been affected by external developments on one hand and, due to internal developments, it enjoys a different shape on the other. These developments are increasingly contributing to cultural development, thereby entail newly emerging problems in the societies and for cultural-military authorities.

Therefore, under such ever-changing grounds, cultural policy-making will not be a fixed notion and new approaches and interpretations as to the cultural policy-making will be needed for asymmetric warfare so that it can accommodate the ever-changing conditions.

To this end, this paper is an attempt to explore the objectives and domains of policy-making and also the process of asymmetric warfare so that while safeguarding true nature of its objectives, a sound definition of its objectives can be offered to give the socio-cultural and political considerations.

Key words: Asymmetric warfare- Unadjustable war- Asymmetric defense- Cultural defense- Psycho- operation Defense

مقدمه

طرح موضوع جنگ نامتقارن در ادبیات کنونی دفاعی و تحلیل‌های راهبردی امنیت دفاعی و ملی کشورها نشانه اهمیت موضوع است. تعریف جنگ نامتقارن، ویژگی‌های آن، بررسی عامل روانی در دفاع نامتقارن و ذکر نقاط قوت امریکا در عراق و در نهایت تعامل دفاع نامتقارن با الگوی نبرد علوی و عاشورایی و تحلیل مؤلفه‌های این ارتباط از مباحث این مقاله است. در شرایط کنونی که تهدیدات دشمن علیه کشور تغییر رویه داده و شدت گرفته است، ارائه الگویی برای دکتترین دفاع نامتقارن فرهنگی و عملیات روانی و ویژگی‌های آن، موضوعی است که کارشناسان سیاسی - نظامی را به بحث و بررسی فرا می‌خواند.

هرچند مفهوم جنگ نامتقارن به تازگی در ادبیات نظامی راهبردی دنیا، به ویژه غرب و امریکا، وارد شده است ولی مطالعه کتاب‌های تاریخ جنگ‌ها نشان می‌دهد مفهوم جنگ نامتقارن ریشه در ادبیات کهن دفاعی دارد. مروری بر اندیشه‌های سن تزو در کتاب «هنر جنگ» و یا گفته‌های ماکیاول در کتاب «خطابه‌ها» این ریشه‌ها را به خوبی نشان می‌دهد. واژه «نامتقارن» با واژه‌هایی همچون عدم تقارن، نامتعارف و یا نامتناسب مترادف و هم‌معنی است.

شاید نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین واژه، مفهوم «نامتقارن» باشد که به معنای فقدان تناسب معمول نظامی بین دو جبهه نبرد است. نامتناسب در منابع انسانی بین دو جبهه یا در منابع مادی دو طرف درگیر است ولی برداشت معمول در نامتناسب، نامناسب بودن را نیز به همراه دارد که با واژه نامتقارن سنخیتی ندارد. در مفاهیم اسلامی و در تاریخ جنگ‌های صدر اسلام نیز به نوعی مفهوم جنگ نامتقارن دیده می‌شود. آیه شریفه «کم من فته قلیله، غلبت فته کثیره باذن الله» بیانی از این مفهوم است. نص صریح قرآن کریم در آیات جنگ بدر، غلبه یک نفر از شما بر ۱۰ نفر و بعد پیروزی یک نفر به ۳ نفر از دشمن، نیز از همین مبحث است. در زمانی که دشمنان پیامبر با همه امکانات و

تجهیزات رزمی زمان خود به مقابله با اسلام پرداختند، یاران رسول الله (ص) با تجهیزات اندک ولی انگیزه سرشار از ایمان به خدا و یقین به آخرت و روحیه شهادت طلبی توانستند اسلام را تا دروازه‌های تمدن روم و ایران باستان هدایت کنند.

جنگ نامتقارن بیروت (۱۹۸۳) عملیات استشهادی علیه نظامیان آمریکایی در بیروت نمونه‌ای از جنگ نامتقارن است که طرف به ظاهر ضعیف با کمترین امکانات در حمله و تهاجم به طرف به ظاهر قوی‌تر است. با بیشترین قدرت نظامی و با بهره‌گیری از نقاط ضعف دشمن، ضربه سهمگینی وارد کند. تفنگداران گردان ساحلی آمریکا آماج هدف قرار گرفتند و نتیجه استراتژیک آن خروج نیروهای امریکایی از لبنان بود. ارتش متجاوز رژیم اشغالگر قدس با همه تجهیزات و امکانات جدید خود و با حمایت‌های اطلاعاتی - مالی آمریکا، به جنگ مردمی رفته است که تنها سلاح آنها سنگ است. دختری شهادت طلب با عملیات استشهادی به جنگ تجهیزات و امکانات دشمن می‌رود. نتیجه راهبردی آن راهبرد، پیروزی و تداوم مقاومت ملت فلسطین است.

از جمله جنگ‌های نامتقارن در دهه‌های اخیر جنگ ایران و عراق است که دشمن با استفاده از حداکثر منابع مادی و مالی ابرقدرت‌ها و استفاده فراوان از سلاح‌های نامتعارف و با توجه به نامتناسب بودن وضعیت نظامی ایران در مقابل عراق - که تحقق کامل ویژگی‌های جنگ نامتقارن بود - به ایران حمله کرد اما رزمندگان ایران توانستند با استفاده از روحیه شهادت طلبی، دشمن را شکست دهند.

ویژگی‌های جنگ نامتقارن

جنگ نامتقارن که در یک طرف آن عنصری به ظاهر قوی و در طرف دیگر آن عنصر ضعیف قرار دارد ویژگی‌هایی دارد:

- ۱- فقدان وجود تناسب معمول نظامی بین دو جبهه درگیر؛
- ۲- تضاد منافع حیاتی دو جبهه؛

- ۳- بیشترین بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن در جبهه قوی و به حداکثر رساندن برتری‌های خودی در جبهه ضعیف؛
- ۴- توجه ویژه به ابعاد روانی، عمومی و بسیج نیروها؛
- ۵- دستیابی به اهداف راهبردی با استفاده از منابع کم و تأکید به اصل کمترین هزینه در مقابل بیشترین بهره.

تأثیر قدرتمند عامل روانی در جنگ نامتقارن

رویکردهای نامتقارن می‌توانند با به‌کارگیری ماهرانه عامل روانی، تأثیر قدرتمندی داشته باشند. این رویکردها که به‌طورمستقیم اراده دشمن را هدف قرار می‌دهند با نگاه به دو تهاجم اخیر منطقه یعنی تجاوز آمریکا به افغانستان و عراق و اشغال آن دو کشور، بهره‌گیری از عامل روانی از طرف دشمن برای تحمیل اراده و خواست خود به طرف مقابل به خوبی آشکار می‌شود. مرحله اصلی این دو جنگ، عملیات روانی آن بود که مدت‌ها قبل از حمله هوایی و زمینی آغاز شده بود.

جنگ روانی در واقع نبرد علیه عقل دشمن است نه نبرد برای در بند کشیدن ساختار فیزیکی او؛ به عنوان مثال آمریکا در عراق اقدام به پخش بیش از چهل میلیون اعلامیه برای مردم عراق نمود. مخاطبان این اعلامیه‌ها به دو دسته افراد نظامی و غیرنظامی تقسیم می‌شدند که برای هر کدام اعلامیه‌های خاصی پخش می‌شد. اعلامیه‌هایی که در میان مردم عادی توزیع شده بود آنها را تشویق به ماندن در خانه و یا همکاری با نیروهای متحد می‌کرد و از سوی دیگر اعلامیه‌هایی که برای نظامیان منتشر می‌شد آنان را به زنده ماندن تشویق می‌کرد و شیوه‌های تسلیم را به آنان می‌آموخت. در جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱) استفاده مناسب و کارآمد آمریکا از عملیات روانی موجب شد که ۸۷ هزار نفر نظامی عراقی خود را به نیروهای متحد تسلیم نمایند. برای طراحی دفاع نامتقارن فرهنگی در مقابله با تهدید آمریکا بررسی و تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت این کشور در خصوص این دو نبرد در شرایط کنونی

ضروری به نظر می‌رسد؛ هر چند به نظر اغلب کارشناسان این دو جنگ، جنگ تبلیغاتی و عملیات روانی بود. در یک نگاه نقاط قوت آمریکا در طراحی عملیات روانی علیه عراق را در چند محور می‌توان ارزیابی کرد:

- ۱- برتری رسانه‌ای برای به دست آوردن حمایت افکار عمومی در داخل آمریکا، سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخل عراق؛
- ۲- برتری اجرای برنامه‌های فریب و نیرنگ؛
- ۳- همسوسازی جهانی و ایجاد ائتلاف بین‌المللی بر علیه عراق؛
- ۴- بسیج افکار عمومی داخلی برای کسب حمایت‌های لازم مالی و منابع انسانی؛
- ۵- بهره‌گیری از عملیات روانی گسترده در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی.

محورهای عمده جنگ تبلیغاتی آمریکا علیه عراق

آمریکا برای تأمین اهداف خود در منطقه خلیج فارس و تأمین منافع خود با عنوان حفظ و پاسداری از منافع ملی خود در جهان در قالب دکترین‌ها و سیاست‌های مردم فریب، محورهایی را به منظور اجرای عملیات آفند روانی انتخاب کرد:

- ۱- معرفی کردن عراق به عنوان کشور جنگ‌طلب در افکار عمومی جهان و منزوی ساختن رژیم عراق؛
- ۲- استفاده از ابزار «رعایت نکردن حقوق بشر و فقدان دموکراسی در کشور هدف» برای جلب افکار عمومی دنیا؛
- ۳- بزرگ‌نمایی وجود سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای در عراق (که هرگز پیدا نشد)؛
- ۴- تبلیغ حمایت از مردم عراق در مقابل رژیم بعث برای تشدید جدایی مردم از حکومت؛
- ۵- تبلیغ گسترده مبنی بر انهدام زیرساخت‌های دفاعی عراق برای ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در نظامیان عراقی و تضعیف قدرت مقابله آنان؛

۶- جداسازی فرماندهان ارشد ارتش بعث از صدام و اطرافیان‌ش با تطمیع و وعده‌های کلان مالی و رفاهی و خارج ساختن آنها از عراق در لحظات نخستین تهاجم.

به طور خلاصه می‌توان گفت پرهیز از قرینه‌سازی با نقاط قوت و حداکثر بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن از ویژگی‌های جنگ نامتقارن است. جنگ نامتقارن در زمان هجوم دشمن قوی به سوی طرف ضعیف مفهوم پیدا می‌کند. طرف ضعیف با پرهیز از قرینه‌سازی با نقاط قوت دشمن، سعی می‌کند از نقاط ضعف او بهره زیادی ببرد. طرف ضعیف با اجرای عملیات تأخیری، تشکیل هسته‌های مقاومت و مقابله کوتاه اما پرحجم با گسترش در همه مناطق می‌تواند طرف قوی را از دسترسی به اهداف خود با مشکل مواجه سازد یا به آن ضربات سختی وارد سازد. جنگ نامتقارن علاوه بر ابعاد نظامی، ابعاد روانی نیز دارد. در جنگ اخیر امریکا و عراق، طرف قوی با استفاده از ابزار رسانه‌ای و اجرای عملیات روانی، تهاجم تمام عیاری را بر علیه عراق طراحی کرد به گونه‌ای که قبل از آغاز تهاجم نظامی، جنگ پایان یافته بود. پس برای حفاظت و جلوگیری از سقوط روانی باید تدابیری اندیشید. مهمترین عامل در جنگ نامتقارن، انسان است. در این جنگ انسان عنصر تعیین‌کننده است که مسئولیت حمله کردن و اجرای عملیات به عهده اوست.

بنابراین نیروی انسانی عامل اصلی در دفاع نامتقارن است و دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- ایمان کامل به اهداف و آرمان‌های خود و اعتقادات قوی دارد.
- ۲- تجهیزات مناسب، سبک و قابل حمل دارد.
- ۳- اختیار و تصمیم‌گیری در کوچک‌ترین واحد درگیر به عهده اوست.
- ۴- با اصول جنگ چریکی و پارتیزانی آشنایی کامل دارد.
- ۵- در مقابل مشکلات نجستیکی مقاوم و قادر به ادامه حیات است.
- ۶- برای تداوم مقاومت و ایستادگی پشتوانه مردمی دارد.

در کنار عوامل فیزیکی دفاع نامتقارن، عامل روحیه و عامل قدرتمند روانی غیرفیزیکی اهمیت دوچندان دارد. دشمن یا طرف قوی نیز در هجوم خود برای قطع پشتوانه مردمی و تضعیف روحیه نیروی مدافع، به عملیات روانی، تبلیغ گسترده، طولانی و عمیق اقدام می‌کند. این عملیات با استفاده از ابزار قدرتمند رسانه‌ها و تسلط بر افکار عمومی، تخریب وحدت ملی، تضعیف روحیه مقاومت، القای ناامیدی و تشدید فشارها و مشکلات برای رسیدن به اهداف خود را سبب می‌شود.

تعامل الگوی نبرد علوی یا نبرد عاشورایی با جنگ یا دفاع نامتقارن

الگوی نبرد علوی با ویژگی‌های دفاع براساس آرمان‌های والای دینی و ملی و آمادگی روانی تا سرحد شهادت وجود ظرفیت روانی برای تحمل سختی‌ها تعریف شده است، ولی آیا می‌توان بین الگوی نبرد علوی و جنگ نامتقارن ارتباطی پیدا کرد، مؤلفه‌های این ارتباط کدام است؟

در زیر به پاره‌ای از ویژگی‌های مشترک اشاره می‌شود:

- ۱- به حداکثر رساندن برتری‌های خودی و حداکثر بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن؛
- ۲- دستیابی به اهداف راهبردی و تأکید بر اصل کمترین هزینه در مقابل بیشترین بازده؛
- ۳- توجه ویژه به ابعاد عملیات روانی و عوامل برتری‌ساز غیرفیزیکی در نبرد؛

ویژگی‌های متفاوت جنگ نامتقارن و نبرد علوی

۱- در مفهوم جنگ نامتقارن پرهیز از قرینه‌سازی با نقاط قوت دشمن و حداکثر بهره‌برداری از نقاط ضعف آن نهفته است ولی در مفهوم نبرد علوی علاوه بر آن، ظرفیت عمل در بدترین شرایط و تکلیف‌گرایی به‌جای نتیجه‌گرایی نیز پنهان است.

۲- مقوله جنگ نامتقارن مبحثی عمومی است که ممکن است ایدئولوژی و آرمان‌گرایی در نوع عمل آن باشد یا نباشد ولی در مفهوم نبرد علوی یا نبرد

عاشورایی مبنای کارزار و اساس آن بر ایدئولوژی و فرهنگ شیعی بنیان شده است.

۳- در جنگ نامتقارن ممکن است اصل عمل، شیوه اتخاذ شده و یا نتایج آن را فرهنگ اسلامی تأیید نکند ولی نبرد علوی چون برخاسته از تفکر اسلامی است کمتر دچار انحراف و یا محل تردید است.

۴- تفاوت اساسی دیگر بین دفاع نامتقارن و نبرد علوی یا عاشورایی، مفهوم نتیجه‌گرایی است. در بخش‌های قبلی گفته شد یکی از ویژگی‌های جنگ نامتقارن تأثیر و نتیجه راهبردی آن است، در نبرد علوی یا عاشورایی برای رزمنده میدان دفاع، پیروزی در مقابل دشمن مهم است ولی عمل به تکلیف مهمتر است. ممکن است به ظاهر پیروزی در کار نباشد ولی عمل به تکلیف و یا شهادت در راه خدا مکمل این نبرد است و در نهایت پیروزی واقعی را ترسیم می‌کند. فلسفه شهادت طلبی رزمنده مسلمان و یا عملیات استشهادی از چنین تفکری نشأت می‌گیرد.

۵- در جنگ یا دفاع نامتقارن رسیدن به هدف ممکن است از تمامی راه‌های در دسترس اجرا شدنی باشد ولی در نبرد علوی یا عاشورایی برخی شیوه‌های غیرانسانی حتی در مقابل دشمن قوی نیز راهی ندارد. به نظر می‌رسد الگوی نبرد علوی یا نبرد عاشورایی، فصل مشروع جنگ یا دفاع نامتقارن را پوشش می‌دهد و نسخه تکمیلی آن برای فرهنگ اسلامی است.

دفاع فرهنگی و پدافند عملیات روانی

یکی از ارکان جنگ نامتقارن توجه ویژه به موضوع عملیات روانی در افکار عمومی و بسیج مردمی در محیط‌های داخلی و بیرونی است. از آنجایی که دشمن در تداوم راهبرد خود در قالب طرح خاورمیانه بزرگ، اهداف سلطه خود را همچنان دنبال می‌کند و هم‌اکنون در مرزهای غربی و شرقی کشور، حضور پیدا کرده است، تشدید جنگ روانی و عملیات روانی خود را از مدت‌ها قبل با سه محور ذیل آغاز کرده است:

الف) جلوگیری از دستیابی ایران به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای؛

ب) دموکراسی و آزادی؛

ج) سلاح‌های کشتار جمعی.

پدافند عملیات روانی و دفاع فرهنگی در مقابله با این تهاجم یکی از ارکان جنگ نامتقارن است که می‌تواند این ابعاد و ویژگی‌ها را داشته باشد:

۱- آماده‌سازی روانی و آرمانی منابع انسانی که با بینش، بصیرت و آگاهی حيله‌های دشمن را خنثی کند؛

۲- ساماندهی زیرساخت‌های مناسب فرهنگی و عملیات روانی در ابعاد منابع انسانی و منابع مادی برای مقابله با تهدید؛

۳- فضا سازی عمومی در سطح جامعه و افکار بین‌المللی برای حفظ پشتوانه‌های مردمی؛

۴- پیگیری عملیات روانی دشمن و اجرای عملیات پدافند و پیشگیری از تأثیر آن بر روی مخاطب؛

۵- اجرای عملیات آفند روانی بر ضد دشمن در سطوح مختلف.

پدافند فرهنگی نامتقارن با توجه به اصول پنج‌گانه ذکر شده نیازمند تعیین وظایف و حوزه مسئولیت‌ها در سطوح مختلف است.

سطح راهبردی

در این سطح دفاع فرهنگی نامتقارن وظیفه سیاست‌گذاری، هدایت، هماهنگی، پشتیبانی و نظارت کلان را بر عهده دارد. وظایف سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط و چگونگی تعامل آنها در این سطح تعریف می‌شود. سطح راهبردی سه مؤلفه دارد:

الف) سطح راهبردی ملی (کشوری)؛

ب) سطح راهبردی در مراتب کلان نیروهای مسلح؛

ج) سطح راهبردی در داخل نیروهای مسلح.

سطح عملیاتی

دفاع فرهنگی و عملیات روانی در سطح عملیاتی، سیاست‌ها و برنامه‌های مشخص شده در سطح راهبردی را با توجه به وضعیت مأموریت و منطقه درگیری و بحران محقق می‌سازد.

سطح عملیاتی نیز دو مؤلفه دارد:

- الف) سطح عملیاتی کلان هر یک از سازمان‌های نیروهای مسلح؛
 ب) سطح عملیاتی نیرویی در هر یک از سازمان‌ها.

سطح تاکتیک

در این سطح عمدتاً یگان‌های صف؛ مانند لشکرها و مناطق و نواحی بسیج اجرای مأموریت را به عهده دارند. سطح تاکتیک محور اصلی مأموریت و درگیری (فیزیکی و غیرفیزیکی) در دفاع نامتقارن است و نیازمند سرمایه‌گذاری و دقت بیشتری است. البته در این سطح برخی اقدامات متمرکز؛ مانند تشکیل یگان واکنش سریع فرهنگی که به صورت متمرکز وارد عمل می‌شود قابل پیش‌بینی است. این سطح نیازمند آموزش و تجهیزات مناسب خود است.

سطح تکنیک

این سطح معمولاً برای کوچک‌ترین واحدهای درگیر تعریف می‌شود و بیشتر به روحیه و روان رزمندگان و اجرای اقدامات دفاعی محدود و میدانی توجه می‌شود.

نتیجه‌گیری

تحلیل نهایی موضوعات اشاره شده در این مقاله، شامل نتایج زیر است:

- ۱- جنگ نامتقارن جنگی نوظهور نیست، در متون کهن نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توان مشاهده کرد.
- ۲- هرچند جنگ نامتقارن با عدم تقارن از جنبه منابع انسانی و منابع مادی برابر است ولی موضوع نامتقارن با عدم تقارن قابل جمع نیست.
- ۳- ویژگی‌های جنگ نامتقارن بر فقدان تناسب معمول نظامی بین دو جبهه و وجود تضاد منافع حیاتی بین آنها و به حداکثر رساندن برتری‌های خودی در جبهه ضعیف تأکید دارد.
- ۴- نمونه‌های فراوانی از جنگ نامتقارن را در دهه اخیر می‌توان یافت.
- ۵- عامل روانی از طریق به‌کارگیری ماهرانه آن می‌تواند تأثیر به‌سزایی در شکست اراده دشمن در صحنه نبرد داشته باشد و تأثیر رویکردی تاکتیکی آن، پیامدهای راهبردی در پی خواهد داشت.
- ۶- محورهای عمده عملیات روانی امریکا علیه عراق بر پایه انشقاق بین مردم و مسئولان عراق استوار بود.
- ۷- با استفاده از الگوی نبرد علوی و تکلیف‌مداری می‌توان از نقاط ضعف دشمن بهره بیشتری برد.
- ۸- در الگوی نبرد علوی باید اصول اخلاقی این نبرد علیه دشمن رعایت گردد.

منابع و مأخذ

- ۱- کلیاتی از جنگ نامتقارن، کتاب دانشکده فرماندهی و ستاد، آبان ۱۳۸۲.
- ۲- کنت، مکنزی، جنگ نامتقارن، ترجمه عبدالمجید حیدری و محمد تنهایی، دانشکده دافوس، ۱۳۸۲.
- ۳- آشنایی با جنگ‌های اطلاعاتی مدرن، دانشگاه صنعتی مالک اشتر (پژوهشکده پدافند غیر عامل).

